

وقف و موقوفه در نهاوند (۲)



ذبیح‌الله سیفی

اشاره

در فرهنگ‌گان ۸ (تابستان ۱۳۸۰، صفحات ۱۳۵ تا ۱۴۱) اجمالاً به بیان مبحث مهم «وقف و موقوفه در نهاوند» که از سوی آقایان ذبیح‌الله سیفی و فرهنگ حیدری از کارکنان محترم اداره‌ی اوقاف و امور خیریه‌ی نهاوند تهیه شده بود، پرداختیم به این امید که گزارش تفصیلی آن را در شماره‌های بعد به اطلاع همشهریان و علاقه‌مندان برسانیم.

خوشبختانه این بار نیز همشهری گرامی آقای ذبیح‌الله سیفی، که پس از چند سال ریاست اداره‌ی یاد شده به افتخار بازنشستگی نائل شده‌اند، در ادامه‌ی همکاری قبلی، ضمن بیان زندگی‌نامه‌ی خود ناگفته‌های دیگری را از «وقف و موقوفه در نهاوند» و نمونه‌هایی از وقف‌نامه‌های گذشته را همراه با متن تایپ شده و تصویر عین آن‌ها با توضیحات تکمیلی (اسامی رؤسای اداره‌ی اوقاف از سال ۱۲۸۵ شمسی تاکنون و ...) برای فرهنگ‌گان ارسال کرده‌اند، که ضمن تشکر مجدد از ایشان به درج آن‌ها می‌پردازیم.

ضمناً متن وقف‌نامه‌های پیوست، از نظر سبک انشاء و نگارش و مقایسه‌ی آن‌ها با زبان نوشتار امروز، برای پژوهشگرانی که تحولات تاریخی و تطبیقی زبان فارسی را دنبال می‌کنند جای بررسی و تحقیق دارد. «فرهنگ‌گان»

زندگی‌نامه

این جانب ذبیح‌الله سیفی در اول شهریور ماه سال ۱۳۳۹ شمسی در یکی از محله‌های قدیمی نهاوند یعنی پای قلعه متولد شدم. گرچه هم اکنون محله‌ی مذکور به یکی از محله‌های محروم و متروک نهاوند تبدیل شده و از رونق افتاده است لیکن سابقاً از رونق خاصی برخوردار بود و یکی از مناطق خوب شهر و حتی قبل از آن از بهترین نقاط شهری نهاوند محسوب می‌گردید.

به هر جهت دوران کودکی و قبل از دبستان را در این محله سپری کردم و پس از آن وارد دبستان شدم و در مدرسه‌ی «بدر» آن زمان، که از مدارس تقریباً خوب نهاوند بود، درس خواندن را آغاز و تا کلاس پنجم در آن جا تحصیل کردم. از همین دوران ابتدایی خاطرات تلخ و شیرین بسیاری به یاد دارم که به ذکر یکی از آن‌ها بسنده می‌نمایم.

معلم سال دوم ابتدایی ما مرحوم ولی‌الله فرزانه بود که خدا رحمتش کند. ایشان با جدیت خاص خود و سخت‌گیری‌هایی که در آن روزگار در امر تعلیم و تربیت اعمال می‌شد و خیلی هم به آن اهمیت می‌داد حق بسیار بزرگی به گردن بنده و بقیه‌ی شاگردانش داشته و دارد. گرچه در آن دوران شاید آن طرز تعلیم و تربیت برای ما سخت و خشن به نظر می‌آمد ولی گذر زمان ثابت نمود که هدف از همه‌ی آن رفتار و برخوردها جز دل‌سوزی و خیرخواهی برای ما نبوده است. البته نه تنها شاگردان کلاس ایشان بلکه شاگردان دیگر کلاس‌ها نیز از ایشان حساب می‌بردند و همواره در حضور وی مواظب رفتار و کردار خود بودند.

اتفاقاً منزل ایشان داخل کوچه‌ای جنب مسجد میدان پای قلعه بود و معمولاً در اوقات تعطیلی مدرسه نیز در محل رفت و آمد می‌کرد و حضور داشت و البته وای

به حال کسی که پس از تعطیلی مدرسه در کوچه و میدان توسط ایشان دیده می‌شد! محال بود که فردای آن روز مورد مؤاخذه قرار نگیرد و اگر هم دلیل موجهی جهت حضور در محله نمی‌آورد که وای به حالش.

خلاصه این موضوع باعث شده بود بچه‌ها در اوقات بیکاری یا غیر از آن بیخودی در کوچه و محله پرسه زنند و اگر هم بیرون می‌آمدند جانب احتیاط را کاملاً رعایت می‌کردند که مبادا آقای فرزانه آن‌ها را ببیند. ایشان علاوه بر این که در امر تدریس و تعلیم خیلی جدی بود در دیگر مسائل از جمله بهداشت فردی و نظافت و مخصوصاً مسائل دینی در حد توان و نیاز بچه‌ها نیز خیلی مقید بود و از همان سال‌ها بچه‌ها را با این قبیل مسائل آشنا و تشویق می‌نمود، از جمله در یکی از روزهای برفی و سرد زمستان مشغول تدریس بود و کلاس در سکوت مطلق بود که ناگهان در کلاس به شدت باز و مردی به سرعت وارد کلاس شد و بدون هیچ مقدمه‌ای با صدای بلند خطاب به یکی از بچه‌ها و به گویش نهاوندی فریاد کشید

هادی هادی بلند شو بریم خانه، مطبخ خراب شده، بلند شو، بلند شو!

در این هنگام، معلم با چالشی خاص خود و آرام و جدی به او گفت بیا داخل و او را به داخل کلاس آورد و در را بست، که چشمتان روز بد نبیند! به محض این که برادر هادی معلم را شناخت آن چنان خودش را باخت که اصلاً حرفش نمی‌آمد و یادش رفته بود که به چه منظوری وارد کلاس شده است. به هر حال منتظر دستور آقا معلم بود.

معلوم شد که وی برادر بزرگ‌تر هادی است و به سبب جثه‌ی بزرگی که داشت از نظر ما مرد بزرگی (از لحاظ هیكل) به حساب می‌آمد. به هر جهت آقای معلم فوراً شاگردان میز اول را بیرون کشید و با اشاره به تازه وارد، وی را روی نیمکت

خوابانید و با دو تا کمر بند بچه‌ها پاهای وی را محکم بست و دو طرف کمر بندها را به تعدادی از بچه‌ها سپرد و آن‌ها نیز با قوت تمام و از ترس معلم محکم آن را نگه داشتند. سپس با ترکه‌ای که در اختیار داشت چندین ضربه‌ی محکم به کف پای وی نواخت و به اصطلاح فلکه‌اش کرد.

او فوراً بلند شد و در حالی که از شدت درد قادر نبود کفش‌هایش را بپوشد می‌خواست از کلاس بیرون رود که آقا معلم رو به وی نمود و خطاب به او گفت دفعه‌ی بعد که می‌خواستی وارد جایی شوی اول در می‌زنی و بعد از کسب اجازه وارد می‌شوی. بچه‌ها که جرئت خندیدن و حرف زدن هم نداشتند به محض این که زنگ تفریح زده شد و بیرون آمدند آن چنان خندیدند و غوغا برپا کردند که توجه بچه‌های کلاس‌های دیگر را هم به خود جلب کردند و ماجرا به گوش همه‌ی بچه‌ها رسید.

به هر جهت، همان‌گونه که اشاره شد، به رغم سخت‌گیری‌ها و روشی که آن مرحوم در برخورد با بچه‌ها داشت، حالا متوجه شده‌ایم که همه‌ی آن‌ها از روی خیرخواهی و دل‌سوزی بود و واقعاً چه قدر هم در شکل‌گیری شخصیت بچه‌ها (البته با توجه به اوضاع آن موقع) مفید واقع می‌شد. خداوند روح آن مرحوم را قرین رحمت نماید؛ بگذریم.

دوران راهنمایی را در مدرسه‌ی راهنمایی «آرش»، واقع در انتهای خیابان گلشن، به پایان رسانیدم و پس از آن در دبیرستان «کوروش کبیر» آن زمان وارد و مشغول به تحصیل شدم. از آن دو دوره‌ی تحصیلی هم خاطرات فراوان به یاد دارم. پس از اخذ دیپلم عازم سربازی شدم. دوران سربازی‌ام با جنگ ایران و عراق مصادف شد. پس از مدتی عازم جبهه‌های جنگ تحمیلی شدم و در یکی از عملیات آن زمان مورد اصابت ترکش قرار گرفتم و مجروح شدم تا این که مدت سربازی منقضی شد.

پس از چند ماهی که از اتمام سربازی گذشت به استخدام سازمان اوقاف و امور خیریه درآمد و چون نهاوند اداره‌ی اوقاف نداشت مدت یک سال در اوقاف ملایر و همدان مشغول به کار شدم تا براساس پیگیری‌هایی که به عمل آمد مجوز تأسیس اداره‌ی اوقاف و امور خیریه‌ی نهاوند در اواخر سال ۱۳۶۲ صادر گردید و اداره‌ی اوقاف نهاوند با حضور عده‌ای از مسئولین وقت، استان و شهرستان تأسیس و در محل یکی از اتاق‌های ساختمان قبلی فرمانداری مستقر شد و اشتغال من در نهاوند از همین سال آغاز گردید.

البته در سال‌های قبل، شهرستان نهاوند هم مانند دیگر شهرهای استان دارای اوقاف بوده است و لیکن بر اثر تصمیمات مسئولین وقت، متأسفانه در سال ۱۳۴۸ آن اداره منحل و به مرکز استان منتقل می‌گردد و از آن پس کارهای شهرستان در استان رسیدگی می‌شد، که متأسفانه همین موضوع هم موجب وارد آمدن لطماتی به موقوفات این شهرستان گردید. ضمن این که جز زحمت و مشقت برای متصرفین و مستأجرین موقوفات خدمات دیگری به آن‌ها ارائه نمی‌شد.

پس از تأسیس مجدد اداره، این جانب به همراه دو نفر دیگر از همکاران خود به نام‌های فرهنگ حیدری و علیرضا ترابی با اشتیاق و رغبت فراوان پیگیری و انجام امور موقوفات شهر و شناسایی املاک وقفی و مستأجرین را آغاز کردیم و در مدت زمانی کوتاه این اداره و وضعیت موقوفات آن رونق گرفت و تقریباً پا به پای دیگر ادارات اوقاف شهرستان‌های استان به انجام امور پرداختیم و با کم‌ترین تجربه و امکاناتی که در اختیار داشتیم با علاقه‌مندی تلاش کردیم و موفق هم شدیم.

این موضوع خود موجب تعجب و شگفتی متصدیان و مسئولین در سطح استان و سازمان مرکزی گردید، زیرا در واقع انتظار نداشتند که سه نفر کارمند کم تجربه و تازه استخدام شده بتوانند به آن خوبی از عهده‌ی اداره نمودن اداره‌ی نوپا برآیند.

الغرض، پس از گذشت دو سه سال، طبقه‌ای از یک ساختمان مسکونی در خیابان ظفری (معلم) را اجاره و اداره را به آن جا منتقل نمودیم و چند سالی در آن ساختمان مستقر شدیم. بعد از آن قطعه زمینی واقع در خیابان کمربندی (محل فعلی اداره) را جهت احداث ساختمان اداره پیشنهاد دادیم، که پس از طی تشریفات قانونی و با مساعدت و همکاری جدی حجت‌الاسلام حاج شیخ امرالله گیوی، که معاونت اداری مالی سازمان اوقاف و امور خیریه را برعهده داشتند، مجوز احداث صادر شد و اعتباری را هم به همین منظور در اختیار اداره‌ی شهرستان قرار دادند. بلافاصله، با تهیه‌ی نقشه‌های ساختمانی و دیگر مراحل احداث ساختمان، که خود داستانی مفصل دارد، ساختمان مذکور در زمینی با متراژ حدود ۱۲۰۰ متر و با زیربنایی بالغ بر ۶۰۰ متر مربع، شامل ساختمان اداری، مسکونی (محل سکونت مسئول اداره یا مهمانسرای اداره)، سرایداری و دیگر تأسیسات احداث شد و این اداره از اجاره‌نشینی نجات یافت.

ضمناً پیش‌بینی شده بود که در سال‌های آتی توسعه و گسترش اداره امکان‌پذیر باشد و با مشکلی مواجه نگردد. یادآوری می‌شود اعتباری که در آن زمان، یعنی سال‌های ۷۳-۷۴، جهت احداث ساختمان تخصیص داده بودند مبلغ ۶/۵ میلیون تومان بود و ساختمان با آن مبلغ احداث گردید.

توضیحاتی در خصوص وقف و موقوفه

الف) وقف

«وقف» در لغت به معنای ایستادن و درنگ کردن است. معنای دیگری هم برای آن بیان داشته‌اند، از جمله سرپا نگه‌داشتن، آگاه شدن و آگاه ساختن. اما وقف در اصطلاح عبارت است از «تحبیس الاصل و تسبیل المنفعه» یعنی نگه داشتن و حبس کردن اصل مال و به مصرف رسانیدن منفعت و درآمد آن بر طبق نیات واقف.

در تعریف دیگری نیز آمده که وقف عبارت است از این که عین ملک و مالی قابل انتفاع به وسیله‌ی مالک آن حبس گردد به طوری که هرگز فروخته یا گرو گذارده نشود و بهره و درآمد و سود آن در راه خدا و موافق با نظر واقف به مصارف امور خیریه برسد. از نظر قانون مدنی نیز وقف عبارت است از این که عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود.

«واقف» یعنی وقف‌کننده کسی است که تمام یا قسمتی از اموال و دارایی (املاک) خود را جهت مصارف بهبود جامعه و امور خیریه وقف نماید. «واقف» کسی است که با وقف ملک، مالکیت خود را سلب می‌کند؛ خواه تولیت آن را مادام‌الهیات به خود اختصاص دهد یا شخص امینی را به عنوان متولی بر آن بگمارد و یا تولیت آن را به اداره‌ی اوقاف واگذار نماید تا چه در زمان حیات و چه بعد از مرگ موارد مصرف وقف را اجرا نماید.

ب) وقف‌نامه

«وقف‌نامه» سندی است که واقف مشخصات کامل موقوفه و شرایط اداره و موارد مصرف عواید آن را به طور دقیق تعیین نموده است. در اغلب وقف‌نامه‌ها برای اخطار به متولیان و عموم مردم که در مندرجات وقف‌نامه تغییر و تبدیلی ندهند این آیه‌ی شریفه‌ی ۱۸۱ سوره‌ی بقره نوشته شده است: «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ»: کسانی که پس از شنیدن آن [وصیت] در آن تبدیل و تغییری دهند گناهشان به گردن خود آن‌ها خواهد بود.

ج) متولی وقف

«متولی وقف» کسی است که واقف او را امین، متدین، متعهد و آگاه تشخیص داده و نام او را در وقف‌نامه ذکر کرده باشد. ممکن است متولی از فرزندان خود واقف و نسل بعد از نسل تعیین شده باشد یا از افراد سرشناس معتقد به مبانی اسلام باشد و

یا اداره‌ی اوقاف محل را به عنوان متولی تعیین کند. معمولاً واقف حق الزحمه‌ای برای متولی معین می‌کند و این متولی اداره کردن امور موقوفه‌ی تحت تولیت خود را به عهده می‌گیرد و شرعاً موظف است در ازدیاد درآمد موقوفه و حفظ و نگه‌داری آن بکوشد و برابر مُفاد وقف‌نامه موارد مصارف را بما هُوَ حَقُّهُ انجام دهد.

د) متولی منصوص

«متولی منصوص» کسی است که نام او در وقف‌نامه برده شده یا به مشخصاتی برای او از قبیل ارشد، اعلم، اتقی، اورع اولاد یا اعلم علمای بلد و نظایر آن‌ها اشاره گردیده باشد.

متولی منصوب یا متصدی: در صورتی که در وقف‌نامه متولی معین نشده باشد موقوفه «مجهول‌التولیه» خوانده می‌شود. قبل از وضع سازمان اوقاف، امور موقوفه را حاکم شرع عهده‌دار بود و شخصاً به آن رسیدگی می‌کرد و یا شخص صالحی را برای تولیت آن منصوب می‌نمود. بعد از دایر شدن سازمان اوقاف، امور این قبیل موقوفات برابر قانون مصوب برعهده‌ی این سازمان واگذار شده است.

ه) ناظر

غالباً در وقف‌نامه‌ها برای مواظبت کارهای متولی واقف، شخص دیگری به عنوان ناظر تعیین می‌شود. چنانچه کارهای متولی منوط به تصویب و امضای ناظر باشد چنین ناظری را «ناظر استصوابی» گویند و اگر اطلاع ناظر در عمل متولی کافی باشد، او را «ناظر اطلاعی» می‌نامند.

و) موقوف‌علیهم

درآمد موقوفه باید موافق نظر واقف به مصرف اشخاصی (از قبیل فقرا، ارحام، مسافران، طالبان علم، اولاد و ارحام واقف، اطعام و تعزیه‌داری یا روضه‌خوانی ائمه‌ی

اطهار) یا برای تعمیر و نگه داشتن اماکن مذهبی (مثل مساجد، مدارس دینی، حسینیه‌ها) یا تعمیر و مرمت غیر آن‌ها (حمام، پل، قنوات و ...) برسد. هر یک از این موارد را (موقوف علیه) می‌گویند. به عبارت دیگر موقوف علیه اشخاص یا چیزهایی هستند که درآمد وقف به آن‌ها اختصاص داده شده است.

ز) وقف عام

«وقف عام» یعنی وقف دارایی بر امور عام‌المنفعه مانند عزاداری ائمه‌ی اطهار (ع)، اطعام، کمک به زوآر و مسافران، همدردی و کمک به مستمندان، احداث مدارس، بیمارستان، مساجد، دارالایتام، دارو و درمان نیازمندان و اداره‌ی آن‌ها و از این قبیل.

ح) وقف خاص

چنانچه وقف برای فرزندان واقف یا طبقه‌ی مخصوص و افرادی معین (مثلاً وقف بر دانشجویان پیام نور نهاوند و ...) اختصاص داده شده باشد، به آن «وقف خاص» می‌گویند.

ط) حبس

«حابس» می‌تواند ملکی را برای مدت معینی حبس کند و درآمد آن را همانند وقف به امور خیریه و عام‌المنفعه اختصاص دهد و شرط کند پس از انقضای مدت حبس عین ملک به خود یا وراثت وی مسترد گردد.

ی) تبدیل به احسن

اگر عین موقوفه به طوری خراب گردد که قابل انتفاع و برداشت نباشد و غرض واقف حاصل نگردد ملک موقوفه با اخذ مجوز شرعی از مراجع ذی‌صلاح به فروش می‌رسد و از بهای فروش رفته، ملک یا رقبه‌ی دیگری به جای‌گزینی آن خریداری می‌شود و با عایدات آن منظور واقف تأمین می‌گردد. این عمل را «تبدیل به احسن» می‌نامند.

ک) رَقَبه

یک واحد ملکی را در اصطلاح اوقافی «رَقَبه» می‌نامند، مانند یک باب مغازه، یک قطعه زمین مسکونی یا کشاورزی، یک قطعه باغ، یک رشته قنات و امثالهم. ممکن است یک موقوفه دارای چند رقبه باشد، مثلاً موقوفه‌ی مرحوم حاج شکرالله شعبانی چندین رقبه، اعم از زمین کشاورزی، باغ، قنات و مثل این‌ها دارد.

یادآوری

علاقه‌مندان برای آشنایی بیشتر با این مباحث می‌توانند به منابع متعددی با موضوعیت «وقف» مراجعه نمایند. یکی از منابع ارزشمند در این خصوص کتاب «وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی» است، تألیف دکتر محمدحسن حائری یزدی (از انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۰)، که در این جا صرفاً به ذکر سرفصل‌های بخش یک و دو آن اکتفا می‌کنیم.

الف) واژه‌ی وقف و صدقه، رابطه‌ی وقف و صدقه، مشروعیت و جایگاه وقف (فقه امامیه، اهل سنت)، منکران مشروعیت، تاریخچه‌ی وقف، قبل از اسلام، در میان ملل غیر مسلمان، در جوامع اسلامی ... (۲۳ تا ۶۷)

ب) گوشه‌هایی از موارد و جهات صرف اوقاف (مساجد، مدارس، کتابخانه، بیمارستان، دیگر موارد) چگونه از نو میراث جاودان وقف را احیا کنیم؟ (مبارزه با عوامل رکود، تبلیغات صحیح و مستمر در سطوح گوناگون، حمایت قانونی از اوقاف) (از صفحه‌ی ۴۲۲ تا ۴۴۶)

وظایف سازمان اوقاف در یک نگاه

همان طور که قبلاً اشاره شد، در حال حاضر سازمان اوقاف و امور خیریه به صورت سازمانی مستقل و در مجموع سازمانی وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

هدف از تشکیل این سازمان اداره کردن موقوفات کشور، نظارت بر امور مساجد، مدارس دینی، اماکن مذهبی، نشر کتب دینی، تبلیغ و ترویج شعائر اسلامی است. وظایف اساسی این سازمان به موجب قوانین و آیین‌نامه‌ها و مقررات موضوعه و تدوین شده عبارت است از تهیه اسناد وقفی و تحقیق و ارزیابی آن‌ها، شناسایی موقوفات شناخته نشده‌ی داخل و خارج کشور، حفظ و نگهداری و عمران و آبادی موقوفات، نظارت کلی بر اعمال متولیان و صدور حکم تولید در صورت محرز بودن آن. این سازمان در سطح کلی و استانی و شهرستانی گردش کار خود را جهت امور مذهبی، فرهنگی و بهداشتی، اجتماعی و خدمات عمومی برنامه‌ریزی کرده و به طور منظم و بر اسلوب صحیح اسلامی عرضه نموده است، من جمله توزیع و اهدای قرآن کریم، کتب دینی، ماهنامه و مجلات فرهنگی و نشریه‌های معارف اسلامی، برگزاری کلاس‌های آموزشی قرآن کریم، انجام مسابقات حفظ و قرائت قرآن کریم در سطوح مختلف، تعمیر مساجد و حسینیه‌ها و بقاع متبرکه، خرید دارو و درمان بیماران، اعانه به مستمندان، دانش‌آموزان بی‌بضاعت و ...

درآمد و هزینه‌های موقوفات نهاوند

سازمان اوقاف و به تبع آن اداره‌ی اوقاف و امور خیریه نهاوند به طور معمول چند نوع درآمد و اعتبار در اختیار دارد. اول اعتباری که مربوط به هزینه‌های اداری و پرسنلی است که همچون سایر ادارات و نهادهای دولتی از محل بودجه‌ی عمومی کل دولت در اختیار این سازمان قرار دارد که صرف هزینه‌های جاری اداره (از قبیل پرداخت حقوق و مزایای کارکنان و هزینه‌های جاری و تعمیراتی ساختمان و آب و برق و گاز و تلفن و امثالهم) می‌گردد، که نهایتاً به تأیید ذی‌حساب مستقر در این سازمان می‌رسد و هیچ‌گونه ارتباطی به سایر درآمدها از قبیل درآمد موقوفات و بقاع و غیر آن‌ها ندارد.

دوم درآمد مربوط به موقوفات است که مستقیماً به حساب جداگانه‌ی هر موقوفه نزد بانک واریز می‌گردد (طبق اسناد و مدارک موجود) و ادارات اوقاف مجازند درآمد این موقوفات را طبق نص صریح وقف‌نامه‌ی واقف و آن چه وی معین داشته به مصرف برسانند، نه کم و نه بیش. اسناد و مدارک مثبت‌هی درآمد و هزینه‌ی موقوفات جهت هر موقوفه، جداگانه نگه‌داری می‌شود تا توسط هیئت اعزامی از اداره‌ی تحقیق سازمان اوقاف بررسی و مورد رسیدگی قرار گیرد. چنانچه طبق نیات واقفین به مصرف رسیده باشند برای آن‌ها مفصاحساب صادر و در پرونده ثبت و ضبط می‌گردد و چنانچه با نیات واقف مغایرت داشته باشد قابل رسیدگی نخواهد بود و مردود اعلام می‌گردد.

سوم درآمد و نذورات مربوط به اماکن مذهبی و بقاع متبرکه است. این قبیل درآمدها نیز با حضور هیئت امنای این اماکن و نماینده‌ی اوقاف و بعضاً با نماینده‌ی دادگستری در محل، جمع‌آوری و شمارش و صورت جلسه می‌شود و درآمد هر مکان متبرکه نزد بانک مربوطه واریز می‌گردد و طبق موازین قانونی و دستورالعمل‌های صادره صرف هزینه‌ی تعمیرات، بازسازی و عمران و نگه‌داری آن‌ها می‌شود. اسناد مثبت‌هی آن‌ها نیز همچون موقوفات، مورد رسیدگی هیئت تحقیق واقع خواهند شد.

چهارم اعتباراتی است از محل بودجه‌ی دولتی جهت حفظ و نگه‌داری و تعمیر و مرمت مساجد، حسینیه‌ها و دیگر اماکن مذهبی، که همه ساله طبق برنامه‌ی مصوب و لیست‌های تصویب شده به این قبیل اماکن اختصاص می‌یابد. اسناد و مدارک مثبت‌هی این‌ها نیز، پس از هزینه نمودن اعتبارات ذکر شده توسط هیئت امنای اماکن ذی‌ربط، به ذی‌حسابی مستقر در اداره‌ی کل تحویل می‌شوند و مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. نکته‌ای که نیاز به ذکر و توضیح دارد این است که اکثر قریب به اتفاق وقف‌نامه‌ها و موقوفات نهایند مربوط به دوران قاجاریه است. در این دوره، وقف املاک و تعیین

موقوفات از رونق خاصی برخوردار بوده و هر کس به سهم خود در این امر خیر شرکت جسته و موقوفه‌ای از خود به جای گذاشته است.

نکته‌ی دیگر این که یکی از عواملی که موجب زنده نگه داشتن قیام حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و یاران باوفایش در طول تاریخ بوده همین وقف و موقوفات بوده که واقفین خیر به همین منظور سهمی از درآمد موقوفات خود را به این امر اختصاص داده‌اند و از درآمد موقوفات آن‌ها همه ساله مراسم روضه و عزاداری در ایام شهادت سیدالشهداء برگزار گردیده و می‌گردد.

معرفی تعدادی از موقوفات شهرستان نهاوند

۱- موقوفه‌ی حاج سید یدالله فاطمی

مرحوم حاج سید یدالله فاطمی به موجب وصیت‌نامه‌ی مورخ ۱۳۳۳/۳/۲۰ شمسی مقدار ۷۴ شعیر مشاع از ۹۶ شعیر روستای عنبر قنبر (تقریباً قریب به پنج دانگ) را وقف و پنج نفر از اولاد خود و معتمدین و بزرگان نهاوند از جمله مرحوم آیت‌الله علیمرادیان، حاج روح‌الله رهبری، سید ابوالقاسم فتاحیان، عبدالله و محمد فاطمی را به عنوان وصی در امر موقوفه معین نمود.

در ضمن وصیت‌نامه اشاره شده است، پس از این که چهار فرزند پسر وی (به اسمی عبدالله، کمال، جمال و جلال فاطمی) به سن قانونی رسیدند آقایان موصی تولیت موقوفه را به فرزندان واقف منتقل نمایند. لذا سالیان متمادی امور موقوفه توسط فرزندان واقف انجام پذیرفت. چندی بعد، به موجب قانون اصلاحات ارضی موقوفه‌ی مذکور به زارعین واگذار گردید و امور موقوفه نیز تعطیل شد، تا این که به موجب قانونی که مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۳ تصویب کرد اسناد

واگذاری املاک فروش رفته‌ی موقوفات ابطال شد و مجدداً املاک ذکر شده به وقفیت بازگشت و با مستأجرین و متصرفین اراضی وقفی قرارداد اجاره تنظیم و اجاره‌ی املاک وقفی اخذ و به حساب موقوفات واریز شد و از آن پس طبق نظر واقف مصرف می‌گردد.

دو نفر از اوصیای مذکور، به نام آقایان عبدالله و جلال فاطمی، به رحمت ایزدی پیوستند و دو نفر وصی فعلی امور موقوفه را به اداره‌ی اوقاف و امور خیریه‌ی نهند و واگذار نمودند و هم‌اکنون اداره‌ی مذکور امور ذی‌ربط را انجام می‌دهد و از محل درآمد آن نیابت واقف را به اجرا درمی‌آورد.

نیات واقف عبارت‌اند از کمک به بیمارستانی که در نهند ساخته شود با شرایط مخصوصی که واقف ذکر نموده است، کفن و دفن غُربا، دارو و درمان فقرا و مساکین، قرآن شصت پاره جهت استفاده در مساجد، تعمیر پل، آب انبار، زغال زمستان افراد بی‌بضاعت، تعمیر حمام، مسجد عنبرقبر، روضه خوانی و تهیه و توزیع برنج و روغن در شب عید نوروز.

۲- موقوفه‌ی مرحوم ظفرالسلطان

قبل از آن که به معرفی و چگونگی موقوفه‌ی مذکور پردازیم نکته‌ای را یادآوری می‌نمایم و آن این که عموماً نام ظفرالسلطان برای اکثر شهروندان نهندی و حتی برای شهرهای هم‌جوار و دیگر شهرها آشناست و هر کس به نوعی سرگذشت و اوصاف وی و خانواده و اطرافیانش را شنیده و حتی بعضاً از نزدیک مشاهده نموده‌اند. همان‌طوری که شواهد و قرائن حکایت دارند، وی و اطرافیانش در نهند و قرای تابعه و حتی در دیگر شهرها و شهرستان‌های اطراف، املاک فراوان، اعم از مزروعی و باغات و مستغلات و حتی به صورت آبادی‌های شش‌دانگ و کمتر از آن، داشته‌اند.

نکته‌ی قابل توجه و تأمل این که کلیه‌ی املاک و اموال نام‌برده به مرور زمان از بین رفته است (تقسیم شده یا به فروش رسیده یا واگذار شده و ...). تنها شش دانگ قریه‌ی لواشان و دو دانگ از قریه‌ی شورچه‌ی کنگاور (بلوک افشار) به نام وی باقی مانده و خواهد ماند و علت آن وقف بودن این دو ملک بوده است که به موجب وصیت‌نامه‌ی مورخ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ قمری یعنی ۱۰۶ سال قبل آن‌ها را وقف نموده و درآمد آن‌ها را نیز به خرید دو مرتبه حج به جهت موسی، نماز و روزه، حمل جنازه به نجف اشرف و اموری از این قبیل اختصاص داده است.

نظر به این که امور قید شده در سال‌های اخیر انجام شده است، اداره‌ی اوقاف نهاوند به منظور هزینه کردن درآمد املاک وقفی از شعبه‌ی حقوقی اداره‌ی تحقیق اوقاف و امور خیریه‌ی کرمانشاه کسب تکلیف نمود و شعبه‌ی مزبور به موجب حکم صادره اجازه‌ی مصرف درآمد موقوفه را به امور خیریه و بریّه صادر می‌کند و همه ساله عواید این موقوفه به مصارف ذکر شده هزینه می‌گردد و ثواب آن در پرونده‌ی واقف ثبت و ضبط می‌شود و تا قیامت این امر تداوم خواهد داشت، به قول سعدی علیه‌الرحمه:

برگ عیشی به گور خویش فرست
کس نیارد ز پس تو پیش فرست

متن وصیت‌نامه‌ی مرحوم ابراهیم خان ظفرالسلطان به خط خودش و به شرح متن زیر موجود است و آن را به سه صورت تایپ شده و دست‌نویست واقف و استنساخ شده‌ی آن ملاحظه می‌کنید.

ک

بسم الله الرحمن الرحيم
اشهد ان لا اله الا الله اشهد ان محمداً رسول الله اشهد ان علي ولي الله
چون بنای آدم بر مرگ است لهذا این ورقه را می نویسم که تکلیف بر بازماندگان
دشوار نشود. اولاً املاکی که منتقل به خلیل خان و اسماعیل خان نموده است مال
اشهد ان لا اله الا الله اشهد ان محمداً رسول الله اشهد ان علي ولي الله
چون بنای آدم بر مرگ است لهذا این ورقه را می نویسم که تکلیف بر بازماندگان
دشوار نشود. اولاً املاکی که منتقل به خلیل خان و اسماعیل خان نموده است مال
اشهد ان لا اله الا الله اشهد ان محمداً رسول الله اشهد ان علي ولي الله
چون بنای آدم بر مرگ است لهذا این ورقه را می نویسم که تکلیف بر بازماندگان
دشوار نشود. اولاً املاکی که منتقل به خلیل خان و اسماعیل خان نموده است مال

متن کامل وصیتنامه حضرت امیرالمؤمنین

تصویر اصل وصیتنامه

بسم الله الرحمن الرحيم

اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله، اشهد ان علي ولي الله.
چون بنای آدمی به مرگ است لهذا این ورقه را می نویسم که تکلیف بر بازماندگان
دشوار نشود. اولاً املاکی که منتقل به خلیل خان و اسماعیل خان نموده است مال

خود آنهاست و از محصول آنها املاکی برای خودشان خریداری نموده که قباله به اسم خودشان می‌باشد. املاکی که از والدهی جلیل خان به این جانب صلح و واگذار شده است که عبارت از دو سهم بابا رستم و دو سهم از دو دانگ فیازمان و سهمی کله مار باشد واگذار به خود جلیل خان است. سهمی (سهم) کله مار سفلا که خریداری شده و چه قباله به اسم جلیل خان است چه به اسم خودم واگذار به جلیل خان است. بقیه املاک را کما فرض الله قسمت کنند. اثاث البیت و اسباب و تفنگ و اسب و قاطر و مادیانها را.

ثلث موضوع کنند قریه‌ی لواشان شش دانگ و مالکی شورچه‌ی افشار را، صورت اسباب خانهای شهر که مادر خلیل خان آنجاست هر چه خودش صورت داده همان است. هرگاه مطالبه کنند که غیر آنچه خودش صورت نوشته حرام است و حق ندارند. آنچه ثلث اینها شد حق ندارند بفروشند. قیمت کنند به هر یک از اولاد اسباب خانه خود را بدهند. بعد قیمت آنها را در مدت پنج سال با اطلاع یک نفر از گماشته‌ی جناب جلالت مآب زین‌العابدین خان امیرافخم سردار مدظله که معین کند به مصرف خیر برسانند. دو مرتبه حج بخزند یک نفر سید باشد و دیگری عام. نماز و روزه از زمان تکلیف تا موعد فوت هر چند سال می‌شود به عمل بیاورند و جنازه را حمل نجف اشرف نمایند. خواهش دارم والدهی خلیل خان هرگاه مانعی نداشته باشد همراه باشد. (محل مهر و امضای عده‌ای از معمرین و معتمدین و بنا به شهادت آنها متن وصیت‌نامه به خط خود مرحوم ظفرالسلطان می‌باشد).

توضیح این که اصل وقف‌نامه و دیگر وقف‌نامه‌ها به سازمان اسناد ملی ایران تحویل داده شده‌اند که در آن جا مرمت و نگه‌داری می‌شود.

۱۶

بسم الله الرحمن الرحيم
 استبدان دلداله ایا به استبدان ان کفر اهل بیت استبدان ان من ولایه خون سار اندر مرگ است
 ایندا خردم را میبوسم در کتف بر نازمان و نور زنده او خدا کند و معنی کفر فان در کفر
 می نهان است و از کفر آنها ای که را از کفرشان خردار زنده که قابله با هم کفرشان می باشد
 صرد و الله صبر فان با نایب صلح و داند زنده است و جبارت از هم بیاریم و هم از هم از هم
 نماند و هم کفر را پیش و داند کفر صبر فان است که هر کس با کفر در خردار زنده و قابله با هم
 به با هم کفر و داند زنده کفر فان این کفر اهل کفر فان به کفر است که کفر است و کفر
 است و کفر فان را کفر موضعی کفر در کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر
 و کفر و کفر فان ای است که کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر
 زنده حرام است و حق خازنه که کفر آنها است و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر
 کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر
 فان اهل کفر سردار بر کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر
 کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر

بسم الله الرحمن الرحيم
 استبدان دلداله ایا به استبدان ان کفر اهل بیت استبدان ان من ولایه خون سار اندر مرگ است
 ایندا خردم را میبوسم در کتف بر نازمان و نور زنده او خدا کند و معنی کفر فان در کفر
 می نهان است و از کفر آنها ای که را از کفرشان خردار زنده که قابله با هم کفرشان می باشد
 صرد و الله صبر فان با نایب صلح و داند زنده است و جبارت از هم بیاریم و هم از هم از هم
 نماند و هم کفر را پیش و داند کفر صبر فان است که هر کس با کفر در خردار زنده و قابله با هم
 به با هم کفر و داند زنده کفر فان این کفر اهل کفر فان به کفر است که کفر است و کفر
 است و کفر فان را کفر موضعی کفر در کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر
 و کفر و کفر فان ای است که کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر
 زنده حرام است و حق خازنه که کفر آنها است و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر
 کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر
 فان اهل کفر سردار بر کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر
 کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر

نصیر استفساخ شری و صیبه نام

ص و صیبه صخره السلطان

۱۷

باز در ده روزن کثیف با موه دست هر قدر باشد مشه بهر ما درند
 خانه را حریف نرفت نه از فرانسیم والده حریفن هر که
 با نغمه میانه همراه باشم

بسم الله الرحمن الرحیم
 الحمد لله رب العالمین
 الرحمن الرحیم
 مقلب القلوب
 الراسخين
 الیوم اتقوا الله
 یوم لا یغنی عنکم
 التوفیق ولا العباد
 اللات

بسم الله الرحمن الرحیم
 الحمد لله رب العالمین
 الرحمن الرحیم
 مقلب القلوب
 الراسخين
 الیوم اتقوا الله
 یوم لا یغنی عنکم
 التوفیق ولا العباد
 اللات

بسم الله الرحمن الرحیم
 الحمد لله رب العالمین
 الرحمن الرحیم
 مقلب القلوب
 الراسخين
 الیوم اتقوا الله
 یوم لا یغنی عنکم
 التوفیق ولا العباد
 اللات

بسم الله الرحمن الرحیم
 الحمد لله رب العالمین
 الرحمن الرحیم
 مقلب القلوب
 الراسخين
 الیوم اتقوا الله
 یوم لا یغنی عنکم
 التوفیق ولا العباد
 اللات

بسم الله الرحمن الرحیم
 الحمد لله رب العالمین
 الرحمن الرحیم
 مقلب القلوب
 الراسخين
 الیوم اتقوا الله
 یوم لا یغنی عنکم
 التوفیق ولا العباد
 اللات

بسم الله الرحمن الرحیم
 الحمد لله رب العالمین
 الرحمن الرحیم
 مقلب القلوب
 الراسخين
 الیوم اتقوا الله
 یوم لا یغنی عنکم
 التوفیق ولا العباد
 اللات

بسم الله الرحمن الرحیم
 الحمد لله رب العالمین
 الرحمن الرحیم
 مقلب القلوب
 الراسخين
 الیوم اتقوا الله
 یوم لا یغنی عنکم
 التوفیق ولا العباد
 اللات

بسم الله الرحمن الرحیم
 الحمد لله رب العالمین
 الرحمن الرحیم
 مقلب القلوب
 الراسخين
 الیوم اتقوا الله
 یوم لا یغنی عنکم
 التوفیق ولا العباد
 اللات

حرف ۲ اداب و دستیار
 ظرف السلطان

سؤال و جواب	خواهان	خواننده	سازمان اوقاف اداره تحقیق حج و اوقاف و امور خیریه استان باختران	خوبه	تاریخ
			ورقه تحقیق و مذاکرات		

۱۹

بسمه تعالی	شماره ۶۵۲ تاریخ ۲۱/۱۰/۱۹
<p>بتاریخ ۲۱/۱۰/۱۹ جلسه‌ای بمنظور رسیدگی بدخواست کلاسه ۳۶۰-۱۷۱ اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان نهاوند بخواسته اظهار نظر و ابراز عقیده نسبت به نحوه مصرف ابداعات موقوفه مرحوم ظفر السلطان واقع در حوزه اوقافی نهاوند در شعبه حقوق اداره تحقیق اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاهان در تاریخ یاد شده به عضویت و تصدی امضا کنندگان زیر تشکیل گردید به سرانجام و بررسی اصل و روزگشت و وصیتنامه مورخ جمادى الاول ۱۳۲۶ که به امضا و مهر عدّه کثیری از گواهان مهور گردیده است و سایر مدارک ارائه شده و محتویات پرونده مربوطه ختم جلسه اعلام و به شرح زیر بصورت گواهی مصرف میبادرت مینماید .</p> <p>نظریه تحقیق با توجه به تصویر اصل وصیتنامه و تصویر استنساخ شده آن (که منضمه ارسال گردید) که احد از گواهان با این عبارت بسم الله تعالی تقدست اسمائه و جللت عظمه و به ثقی واعتصامی انسانیه اینورقه ابداعات بمساله تا نهایت بکنیه هرگاه مانعی نداشته باشد همراه باشد از شهرد کثیره بر این حقیر مکشوف گردید که خط و املاء مرحوم میرزا ظفر السلطان المسمی با ابراهیم خان نجیل مرحوم مشهور محمد خان طاب تراهماست و اول قول حقاً و کفی بالله شهید است اینک تمام مسطرات در این ورقه مضموناً هم از انشاءات خود آبروح است هذا کله ما ثبت و تحقق لدی الاحقر خادم الشریع الاطهر الفی عنه فی ۱۴ شهر جمادى الاول ۱۳۲۶ بعد در نسخه برداری آن چنین آمده .</p> <p>محل شهر جناب مستطاب ملاذاتام ظهیر الاسلام سرکار شریعت مد از آقای آقا احمد مد ظلله العالی صحت قید تاریخ در جمله نوشته خود همانند گواهان دیگر صحت مراتب مند و وصیتنامه ظفر السلطان را مورد تأیید و تنفیذ قرار داده است لذا با توجه به مراتب مذکور در فوق و کثرت مهور امضا گواهان در حاشیه ورقه وصیتنامه و عنایت به استنساخ مجلی و سابقه و طیول زمان عملکرد مسئولان وقف و متوفیان موقوفه به مفاد آن و نیز سایر اسناد و مدارک وقفی و توجه به بردجهای مصوبه و مفاسد حسابهای صادره هیات رسیدگی تحقیق با مفاد ماده ۴ آییننامه کیفیت تحقیق در شعب تحقیق مقرر میدارد منافی موقوفه طبق مفاد وصیتنامه مهور پس از انجام امر استیجار حج و نماز و روزه تعیین شده در متن وصیتنامه جهت و افض آید که عراید باشد مطابق شرح و شروط مفاد مضمون آن با است در محل بصارت امور خیریه و برهه برسد این نظریه طبق ماده ۱۵ قانون اوقاف و ۱۱ آییننامه کیفیت تحقیق قابل اعتراض و رسیدگی در دادگاههای بدو کستری میباید</p> <p>محمد حسن قراغانی عبداله نصرتیور</p>	

۳- موقوفه‌ی مدرسه‌ی قدیمه

یکی از موقوفات شهرستان نهاوند، که به موقوفه‌ی آموزشگاه قدیم معروف و مشهور است، محل فعلی حوزه‌ی علمیه‌ی حضرت امام خمینی (ره) واقع در راسته‌ی میرزا آقاسی است. براساس سوابق مکاتبات موجود، واقف مدرسه شخصی به نام محمد مؤمن خان اعتمادالدوله بوده است. متن وقف‌نامه‌ی این موقوفه نیز بر روی لوح سنگی بزرگی حک شده و در جلوی در ورودی مدرسه نصب شده، که متأسفانه اداره‌ی فرهنگ و هنر آن زمان (حکومت قبل) آن را از محل خارج کرده و ظاهراً به تهران انتقال داده است. با پیگیری‌هایی هم که متعاقباً به عمل آمده تا به حال هیچ‌گونه اطلاعی از وضعیت آن به دست نیامده است. اما سوابق و مکاتبات مربوطه حاکی از آن است که اصل مدرسه و منظور احداث آن جهت مدرسه‌ی طلاب علوم دینی بوده که بعدها از صورت حوزه‌ی علمیه خارج می‌شود و در اختیار اداره‌ی آموزش و پرورش قرار می‌گیرد و به دبیرستان تبدیل می‌شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، با پیگیری مسئولین شهر مجدداً مدرسه از آموزش و پرورش تحویل گرفته می‌شود و در اختیار حوزه‌ی علمیه قرار می‌گیرد. در سنوات اخیر نیز با تخصیص اعتباراتی از سوی سازمان اوقاف و دیگر مراجع، قسمت‌هایی از مدرسه تخریب و بازسازی می‌شود و جهت استفاده‌ی طلاب علوم دینی در اختیار حوزه‌ی علمیه‌ی نهاوند قرار می‌گیرد. همچنین موقوفه تعدادی مغازه نیز در بازار نهاوند دارد که درآمد حاصله از آن‌ها نیز طبق سیره‌ی جاریه جهت استفاده در اختیار حوزه‌ی علمیه قرار می‌گیرد.

۴- وقف‌نامه‌ی موقوفه‌ی مرحوم حاج فیض‌الله

غرض از تحریر و ترقیم این حروف شرعیة المؤلف آن است که نظر به منطوق آیه‌ی

وافیه الهدایه «کل نفس ذائقة الموت» [هر نفسی شربت ناگوار مرگ را خواهد نوشید] توفیق رفیق و سعادت قرین عالیحضرت ستوده خصلت خیرالحاج حاجی فیض الله خلف مرحمت پناه حاجی صادق گردید. در حالی که ممضی و مسموع بود از او جمیع اقرار شرعی و وصی شرعی خود قرار داد جناب کهنف الحاج حاجی علی حسین، خلف مرحمت و غفران پناه حاجی حسن را که چون طومار عمرش پیچیده شد و هاتف حق را لبیک اجابت گفت حاج علی حسین معزی الیه وصی باشد در جمیع متروکات موصی و وضع ثلث متروکات و در امور صغار به هر قسم که صلاح بدانند عمل نماید و بعد هذا وصی نموده در خصوص این که ثلث متروکات که وضع شد به مصارفی که خود موصی خواهش نموده و در ذیل ورقه قلمی می شود حاجی محمدحسن، خلف مرحوم مبرور کربلایی محمد رضی به عمل بیاورد، به این تفصیل که ذکر می شود همین است: سهم امام (ع) بیست تومان، خمس آل محمد (ص) ده تومان. صلوة از اشخاص عادل استیجار شود چهل سال، به هر قدر که از پیش رود. صوم از اشخاص نیک و عادل استیجار شود، چهل ماه به هر قدر که از پیش برود. نقل نعش در نجف اشرف، مخارج سه روزهی تعزیه، نایب الزیارهی سیدالشهدا (ع) در سال اول وفات، نایب الزیارهی مشهد مقدس در سال اول وفات، روضه خوانی سالیانه تا مدت بیست سال.

یک قطعه باغ مشجر و مکروم واقع در پویهی ریشه کمر که موصی ابتیاع نموده از کربلایی شهباز بیک و نصف مشاع از یک قطعه زمین واقعه در نقارهچی را اوصیاء از جمله ثلث قرار دهند و منافع و فواید آنها را همه ساله کربلایی محمدحسن مشارئالیه به فقرا و ارحام مستحقه بدهد هر قدر که مصلحت بدانند و استدعا دارد موصی مزبور از جانب حاجی و کربلایی محمدحسن که در امورات مرقومه مسامحه

نفر مایند که عندالله و عندالرسول ضایع نخواهد شد. و کان ذالک فسی چهارم شهر جمادی الاول من شهور ۱۲۸۹ [قمری].

ادبی خاں الحاج مستطاب و مولی
الایام فی حدیث و تفسیر و الفقه
فی فروع الفقه و اصول الاحکام
عامه روزانه ۱۲۹۰
میت

محمد خاں مستطاب
مدرس الفقه و اصول

تاریخ

ص ۳۰

عزیز از غیره استیم محرم ربیع الثانی کوفه کتبه مطبوعه آید فیه البیاد کل نفس ذائقه الموت

زین فی حق و صحت قرین عالی است که حاصل خیر الحاح و غیره از جمله است تمام بود و در این گریه در دنیا که منجی کس بود
ازاد خیر است اما در این و در غیر این که در اوله و اوله و اوله که کتب الحاح و در حدیث من غیره است و در این که چون طرما در غیره است
و کتب من رالی است که در حدیث من غیره است و در حدیث من غیره است و در حدیث من غیره است و در حدیث من غیره است
صفا بهر است که در حدیث من غیره است و در حدیث من غیره است و در حدیث من غیره است و در حدیث من غیره است
در حدیث من غیره است و در حدیث من غیره است و در حدیث من غیره است و در حدیث من غیره است

محمد خاں مستطاب
مدرس الفقه و اصول

محمد خاں مستطاب
مدرس الفقه و اصول

محمد خاں مستطاب
مدرس الفقه و اصول

محمد خاں مستطاب

محمد خاں مستطاب
مدرس الفقه و اصول

محمد خاں مستطاب
مدرس الفقه و اصول

محمد خاں مستطاب
مدرس الفقه و اصول

صاحف معین الم

محمد خاں مستطاب
مدرس الفقه و اصول

توضیح: ذکر این نکته لازم است که موقوفه‌ی فوق و امثالهم چون بعضی از مصارف آن‌ها برای مدت معینی مشخص شده است، پس از انجام این قبیل مصارف درآمد موقوفه جهت دیگر نیات واقفین به مصرف می‌رسد.

۵- وقف‌نامه‌ی زمان میرزا [نوه‌ی فتحعلی شاه قاجار]

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ [سوره‌ی بقره، ۲۶۱].

لهذا توفیق ربانی و تأیید سبحانی شامل حال و کامل احوال نواب مستطاب زین‌الحاج حاجی زمان میرزا، خلف ارجمند مرحمت و غفران پناه جنت جایگاه محمود میرزا گردید. وقف دائمی و حبس ابدی نمودند تمامت موازی سه دانگ از شش‌دانگ دکاکین بازار نهند ملک‌ی خود را از برای ارواح ائمه‌ی اطهار و اجداد خود خصوصاً خاقان مغفور و مبرور فتحعلی‌شاه و شاهزاده محمود میرزا و همایون میرزا و جهان‌شاه میرزا و احمد علی میرزا و محمدرضا میرزا و فتح‌الله میرزا و حسام‌السلطنه شیخ‌المولوک و والده‌ی مسعود میرزا و صبیبه‌ی مسعود میرزا و والده‌ی خسرو میرزا و والده‌ی سبکتکین میرزا و والده‌ی سلطان تکش میرزا و والده‌ی محمد میرزا و والده‌ی عباسقلی میرزا و تهمتن میرزا و ملک‌زاده خانم و والده‌ی او و خود واقف، والده‌ی او و جمیع سلسله‌ی واقف‌انثا و ذکوراً. حیاً و میتاً و اهل نهند جمیعاً و اجداد جناب مولوی و جناب مرحمت پناه حاجی آقا و اجداد جناب امام جمعه و جناب آقا محمود و تولیت او مادام‌الحیات با خود واقف و بعد از حیات او با ارشد [اولاد] او پاشا خان دام عمره نسلماً بعد نسل که بعد از مخارج واجبه و تعمیر آن آنچه باقی ماند نصف مال متوفی و نصف جهت تعمیر مسجد مقام محمود و مسجد پای قلعه و اگر فاضل بماند به همه‌ی فقرای نهند که خرج سه ماهه نداشته باشند از یک‌هزار تا یک تومان زیاد

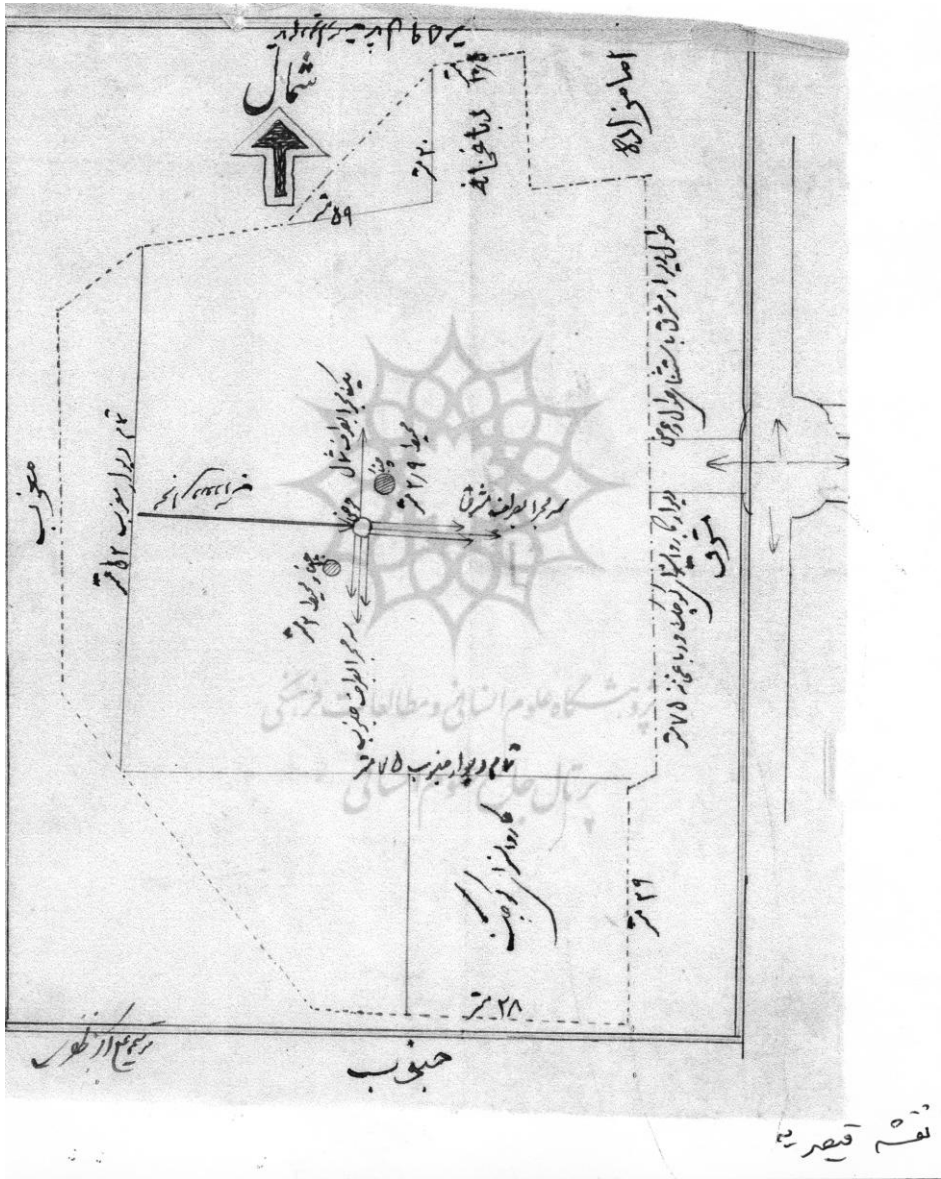
ندهند به کسی و از همین قرار متوکی عمل نماید و تخلف نکنند، و قفلاً صحیحاً صریحاً شرعاً فمّن بدآله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یدلونہ، و کان ذالک التحریر فی بیستم شهر رمضان المبارک من شہور ۱۲۸۹.

بودجه مؤثوقه مرحوم حاج محمد زمان منیر طالب در سال ۱۳۱۱ شمسی					
ملاحظات	مصارف		عایدات		شرح
	تربت	قرن	تربت	قرن	
			۴۰۰		مال بزرگه تدریس
	۲۰۰				مصارف
	۷۰				حق تدریس
	۵				مادرات و شماره
	۲۸				پول کفالت
	۶۰				بایات برکت
	۳۷				رضه خوانی لایم حکم بالکفالت
					مخرج کلک در شرفه
	۴۰۰		۴۰۰		جمع
	مانده مصارف در بیت برآورد				بضاعت ترکه در شرفه

پروفسور شایسته گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بروج حاج زمان منیر

و در ثانی می نویسم اگر این که مسجد خراب شد و اگر از تعمیر افتاد متوکی مختار است به مصرف خیرات دیگر مخارج تعمیرات خرج نماید، به تاریخ سنه ۱۲۱۹ [قمری].





وزارت معارف و اوقاف و فراخوانده
اداره اوقاف، ملا و نهار بندر تبریز کان

مورخه ۹ شهر رجب ۱۳۳۱ ج ۱
ضمیمه

M

بسم الله الرحمن الرحیم
انا الفیض علی العزیز

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام علی
محمد و آله الطیبین
الطاهرین

سلطان احمد شاه

بسم الله الرحمن الرحیم



بنام مردان سده دانک با دار نهاد و مقصود در احسان

ابن محمود این فتحه صحنی قاجار وقت کردم محسن
شاه قاجار وقت کردم محسن

در سجده و دید آنچه زیاده بر مخرج ساجده است بقدر اوساد

ارواح مگر مخرج سالیانه نه شسته باشد بنده و ولایت او را جمع

دکور و انات خود و اگر در رسم سلاطین بوده است هم

باشد و قرار شد تغییر در وقف بنده و محسن بنده که در این
ولو اینکه با اهدام برسد فخر بنده بعد از سمعته فاعمال

بیز لویه مطابق سه شان و شانین هجرت الهی

بسم الله الرحمن الرحیم



حاج زمان میرزا امان

مستوفی
۱۷

۶- وقف‌نامه‌ی مهدیقلی کشوری

أَنَاخَ عَشِيًّا وَ هُوَ فِي الصَّبْحِ رَاحِلٍ
أَلَا أَنَا الدُّنْيَا كَمَا نَزَلَ رَاكِبٍ

بر ضمیر منیر صاحبان عقل پوشیده و پنهان نیست که دنیا داری است فانی دوام
ثابتی ندارد و نعم قال [حافظ] رَحِمَهُ اللهُ:

مجو درستی عهد از جهان سست نهاد که این عجزه عروس هزار داماد است

لذا توفیق رفیق و سعادت یار و شفیع عالیحضرت ستوده خصلت آقای مهدیقلی
کشوری دام عمره دارای هویت نمره‌ی پنجهزار و نهصد و پنجاه و دو صادره از
نهاوند ابن مرحمت مآب آقا محمد ولی رحمه الله گردید، در حالت صحت و اختیار
و وصی شرعی و نائب مناب ثلث خود قرار داده جناب آقای آقا میرزا عبداللہ خان
غفوریان دام عمره، دارای ورقه‌ی هویت دو هزار و دویست و چهارده صادره از
نهاوند نجل مرحمت پناه آقای میرزا عبداللہ خان طاب ثراه را که چون این دار فانی
را وداع گوید و داعی حق را لبیک اجابت در دهد، جناب وصی معزّی الیه پس از
مخارج دفن و کفن و نماز لیلة الدفن و مخارج هفت لیلہ‌ی جمعه بعد از فوت
موصی از اصل ترکه، اولاً به مبلغ بیست تومان رایج طلب دستی زوجه‌ی محترمه‌ی
موصی و هی عفت پناه کوکب سلطان را به انضمام مبلغ هفت تومان مهریه‌ی
مخدره‌ی مرقومه را از اصل دارائی موصی به مخدره‌ی مرقومه بدهد و اقرار و
اعتراف نمود موصی معزّی الیه بر این که کلیه‌ی اسباب و اثاث البیت از ظروف و
فرش و غیرها تماماً متعلق و مربوط به مخدره‌ی کوکب سلطان مرقومه می‌باشند و
ابداً مربوط به ترکه و دارائی موصی نمی‌باشند و اسباب و اشیایی که به عنوان رهنه
و وثیقه از مال اشخاص نزد موصی است پس از وصول و ایصال وجه هر یک به
موجب اسناد و عین اسباب‌ها را به صاحبان آن‌ها مسترد فرماید و اعتراف نمود

موصی بر این که یک تخته قالیچه‌ی ترمه به انضمام یک لنگ مجموعه‌ی مس ساده و یک عدد دیگ مس نیم من تبریزی گیری از طرف صبیبه‌ی مرحوم حاج ابوالقاسم اصفهانی که در محله‌ی چهارباغ کوچه‌ی سیدان معروف به کوچه‌ی پریجان سکونت دارد در نزد موصی رهینه و وثیقه‌ی مبلغ هفت تومان است و نوشته و مدرکی در دست نیست. وصی معزی‌الیه وجه مذکور را از مشارک‌الیها اخذ و سه فقره اسباب مشروحه را به او مسترد دارد و بعد موصی معزی‌الیه یک دانگ مشاع از شش دانگ یک باب حمام سرد و گرم و مخروبه‌ی جنب حمام مرقومه را، واقع در محله‌ی گلشن، دارای پلاک نمره را، که از حیث اشتها غنی از تحدید و تعریف است، ثلث خود قرار داد که ابدالدهر همه ساله بعد از وضع عوارضات از مداخل و عواید آن تا مادامی که جناب وصی در قید حیات است از جهت موصی به مصرف خیرات و مبرات در روضه‌خوانی اعلی حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام، و خرید زغال جهت ارحام فقیر موصی برساند و هشت نفری که یک دانگ حمام مرقومه معافی دارد، من باب حق‌الوصایه‌ی وصی باید منظور گردد، به این معنی که مقرر نمود موصی مزبور که اجزاء و اتباع و خود وصی تا زمان تصدی در امر ثلث در حمام مرقومه بدون اجرت استحمام نمایند و وصی معزی‌الیه در ایصاء لغیره مأذون و مختار است و هم چنین سایر اوصیاء بعد که باید از مرقوم در امر ثلث موصی به نحوی که ترقیم یافته اعمال دارند و مقرر نمود موصی پس از وضع مرقومات در ورقه، سایر دارایی او را از اجناس دکان و مطالبات علی ما فرض الله بین وارث او توزیع و تقسیم نمایند. فمن بآله بعد ما سمعه فأنما ائمه علی الذین یبذلونه، الخ و کان ذلک به تاریخ یوم الجمعه احدی و عشرين فی شهر رجب المرجب فی شهر هزار و سیصد و پنجاه و دو ۱۳۵۲ مطابق ۱۹ آبان ماه ۱۳۱۲ شمسی.

۷. آخرین موقوفات نهاوند

آخرین و در واقع جدیدترین موقوفاتی که در سال‌های اخیر توسط خیرین محلی وقف گردیده عبارت‌اند از:

۱- موقوفه‌ی حاج جلیل امیدی، ایشان تعداد دو باب مغازه و انباری با طبقه‌ی فوقانی آن را وقف عام قرار داده و تولیت آن‌ها را هم مادام به اداره‌ی اوقاف و امور خیریه‌ی شهرستان نهاوند واگذار نموده و عواید و درآمد آن‌ها را هم به امور خیریه در نهاوند، روضه‌خوانی ابا عبدالله (ع) در محرم، کمک به تعمیر مساجد نهاوند، کمک به ازدواج دختران و پسران مستحق اختصاص داده است. کلیه‌ی مراحل قانونی وقف املاک فوق در سال ۱۳۸۹ انجام شده و مغازه‌های موقوفه (واقع در خیابان خاقانی) هم به اجاره واگذار گردیده و درآمد حاصله هم طبق نیت واقف به مصرف خواهد رسید.

۲- موقوفه‌ی حاج سید صمد میری، ایشان نیز در همین سال تعداد دو قطعه زمین مزروعی، واقع در دهفول به مساحت تقریبی ۳/۵ هکتار را وقف کرده است. نامبرده درآمد حاصله از موقوفه خود را جهت برگزاری مراسم روضه‌خوانی و عزاداری برای حضرت سیدالشهداء ابا عبدالله الحسین (ع) و حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) قرار داده و تولیت آن را نیز به اداره‌ی اوقاف و امور خیریه نهاوند تفویض نموده است.

۳- هم‌چنین دو نفر از بانوان خیر به نام‌های خانم‌ها مومیوند و افراسیابی سهم‌الارث پدری خود را، که شامل اراضی زراعی و باغات و مستغلات است، جهت وقف معرفی و معین نموده‌اند، که مراحل قانونی آن‌ها در دست انجام است.

ان شاء الله پس از اتمام کار، مشخصات دقیق واقفین و املاک آنها و مصارف آنها نیز به سمع و نظر خوانندگان محترم خواهد رسید.

درآمد موقوفات و نحوه مصرف آنها

سوابق و آثار موقوفات موجود به خوبی نشان‌دهنده‌ی این مطلب است که «وقف» در هر زمان با توجه به نیاز روز جامعه و نوع کمبودها صورت گرفته است. زمانی که حکام جبار و زورگو مخالف مراسم روضه‌خوانی و عزاداری ائمه‌ی اطهار بودند، عمده‌ی وقف‌هایی که صورت می‌گرفته است درآمدشان به برگزاری این مراسم اختصاص می‌یافته و همین موضوع باعث زنده نگه داشتن یاد و خاطره‌ی شهدای کربلا و قیام خونین حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و یاران باوفایش شده است.

زمانی جامعه به ساختن پل و حمام و مسجد و مدرسه و ... نیاز داشته است، در نتیجه واقفین خیر این کمبودهای جامعه را درک نموده و موقوفاتی را به منظور احداث این قبیل اماکن اختصاص داده‌اند که تا به حال این جریان ادامه داشته و خواهد داشت. در زمان فعلی نیز نیازهای جامعه به خوبی مشخص است و به راحتی می‌توان خلأهای موجود جامعه را شناسایی کرد و با توجه به آنها، کسانی که قصد وقف املاکی را دارند می‌توانند به این امور پردازند، من جمله:

بخش درمانی: برای کمک به بیماران روانی، برای درمان زوج‌های نابارور، برای تجهیز بیمارستان‌ها به دستگاه‌های مدرن مانند ام - آر - آی، سی تی اسکن، ونتیلاتور برای درمان یا کمک به بیماری‌های خاص یا صعب‌العلاج.

بخش فرهنگی: برای گسترش فرهنگ جهاد و شهادت، گسترش فرهنگ حجاب، معرفی و حفظ تاریخ، فرهنگ و ادب فارسی، غنی‌سازی اوقات فراغت، ورزش

همگانی، ترک عادات ناپسند و غیرمعارف مثل اعتیاد و مساعدت به تشکل‌ها و انجمن‌های فعال در امر ترک اعتیاد و تجلیل و کمک به هنرمندان متعهد.

بخش علمی و آموزشی: برای حمایت از نخبگان علمی، گسترش تحقیق و پژوهش، تشکیل کرسی‌های نظریه‌پردازی و نقد علمی، فرهنگ‌سازی و فرهنگ انتظار و مهدویت و ساختن خوابگاه دانشجویی.

بخش رفاه اجتماعی: برای تسهیل امر مقدس ازدواج، تأسیس و ایجاد صندوق اشتغال حمایت و رسیدگی به زنان و کودکان بی‌سرپرست، ایجاد و گسترش فضاهای سبز و پارک‌ها و مراکز تفریحی، تسهیل عبور و مرور مردم و وسایل نقلیه‌ی عمومی، روشنایی و نظافت معابر، حفظ و سلامت محیط زیست، حمایت حقوقی و قضایی افراد ضعیف، جلوگیری از حوادث غیرمترقبه و آسیب‌دیدگان این حوادث، کمک به کودکان عقب‌افتاده‌ی ذهنی و جسمی، احداث خانه‌ی سالمندان و کمک به سالمندان، جلوگیری از فروپاشی خانواده‌ها، کمک به پرداخت دیه‌ی افراد معسر (پرداخت دیه، ناشی از جرم یا جنایت نباشد) مانند تصادف سهوی و ...

رؤسا و مسئولین اداره‌ی اوقاف نهاوند از آغاز تا کنون

در این جا اسامی تعدادی از رؤسا و مسئولین اداره‌ی اوقاف نهاوند از سال ۱۲۸۵ش که به طور گذرا از متن مکاتبات اداری استخراج شده است، به شرح ذیل ذکر می‌شوند.

یادآوری می‌شود در سال‌های گذشته اوقاف تحت عنوان «وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه» متصدی امور ذی‌ربط بوده که پس از آن به عنوان «مختلفی تغییر نام یافته و هم اکنون تحت عنوان «سازمان اوقاف و امور خیریه»، وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می‌کند.

۱- میرزا ابوالقاسم خان دبیران، رئیس فرهنگ و معارف و اوقاف نهاوند، ۱۲۸۵ شمسی؛

- ۲- میرزا نصرالله خان دبیران، رئیس فرهنگ و معارف و اوقاف نهاوند، ۱۳۱۰؛
 - ۳- سید صادق خان رفیعی، رئیس فرهنگ و معارف و اوقاف نهاوند، ۱۳۱۳؛
 - ۴- محمد مینایی، رئیس فرهنگ و معارف و اوقاف نهاوند، ۱۳۱۶؛
 - ۵- علیرضا نورخواه، رئیس فرهنگ و معارف و اوقاف نهاوند، ۱۳۲۰؛
 - ۶- محمود ذکایی، رئیس فرهنگ و معارف و اوقاف نهاوند، ۱۳۲۱؛
 - ۷- محمدحسن زاهدی، رئیس فرهنگ و معارف و اوقاف نهاوند، ۱۳۲۹؛
 - ۸- محمد تجزیه‌چی، رئیس فرهنگ و معارف و اوقاف نهاوند، ۱۳۳۰؛
 - ۹- اسدیان، رئیس فرهنگ و معارف و اوقاف نهاوند، ۱۳۳۳؛
 - ۱۰- موسی صفی‌ئی، رئیس فرهنگ و معارف و اوقاف نهاوند، ۱۳۳۵؛
 - ۱۱- خاکی، رئیس فرهنگ و معارف و اوقاف نهاوند، ۱۳۳۹؛
 - ۱۲- رعایایی، رئیس فرهنگ و معارف و اوقاف نهاوند، ۱۳۴۳؛
 - ۱۳- اخوان صادقی، رئیس فرهنگ و معارف و اوقاف نهاوند، ۱۳۴۵؛
 - ۱۴- خوش‌نویس، رئیس فرهنگ و معارف و اوقاف نهاوند، ۱۳۴۶؛
 - ۱۵- فیض‌الله حیدری، رئیس فرهنگ و معارف و اوقاف نهاوند، ۱۳۴۷؛
- یادآوری: سال ۱۳۴۸ اوقاف نهاوند منحل می‌گردد و در سال ۱۳۶۲ به نام «اداره‌ی حج و اوقاف و امور خیریه‌ی نهاوند»، مجدداً تأسیس می‌شود.
- ۱۶- ذبیح‌الله سیفی، رئیس اوقاف نهاوند، ۱۳۶۲؛
 - ۱۷- علیرضا امامی، رئیس اوقاف نهاوند، ۱۳۷۶؛

- ۱۸- ام‌الله زند اکبری، رئیس اوقاف نهاوند، ۱۳۸۰؛
- ۱۹- عباس میرزایی، رئیس اوقاف نهاوند، ۱۳۸۲؛
- ۲۰- ذبیح‌الله سیفی، رئیس اوقاف نهاوند، ۱۳۸۴؛
- ۲۱- حاج میرزا محمد سلگی، رئیس اوقاف نهاوند، ۱۳۸۷؛
- ۲۲- حجت‌الاسلام مرتضی عزیزی، رئیس اوقاف نهاوند ۱۳۸۸.



روز افتتاح اداره‌ی اوقاف و امور خیریه‌ی نهاوند در بهمن ماه سال ۱۳۶۲

از راست: ۱- مردانی، ۲- حجت‌الاسلام اسماعیلی سرپرست اداره‌ی کل اوقاف همدان، ۳- مهدیانی فرماندار نهاوند، ۴- ناشناس، ۵- مهربان حسابدار وقت اوقاف همدان، ۶- ذبیح‌الله سیفی رئیس اوقاف نهاوند، ۷- علیرضاترایی کارمند اوقاف نهاوند، ۸- فرهنگ حیدری حسابدار اوقاف نهاوند، ۹- جعفری رئیس اداره‌ی کار نهاوند، ۱۰- حسن سیفی بخشدار وقت نهاوند